

## زنانِ شورشی

یک سیاست جنسیتی نوپا در دامانِ کردها و زاپاتیستها

نویسنده: شارلوت ماریا ساینز

ترجمه‌ی: مبین رحیمی



## غیابش؛

### همچنان مرثیه برانگیز.

#### برای ندا مرادی

در چیپاس، مکزیک و گردستان فراملی - آن جا که جنبش مقاومت مربوط به هر کدام از کردها و زاپاتیست‌ها در حال برپا کردن یک روابط جنسیتی نوپا به‌مثابه‌ی بخش بنیادینی از مبارزه و جریان عمل‌شان برای خلق جهان بهتری هستند - مقاومت و ایستادگی همچون سبزه‌زار از میان ترک‌ها (cracks) سر برآورده است.

در هر دو محل - چیپاس و روژئاوا - مشارکت زنان در نیروهای مسلح نقطه‌ی ورودی برای ساخت اجتماعی نوینی از مناسبات جنسیتی برپایه‌ی برابری می‌باشد. کردها برای پایزیستی خودشان همچنان مبارزه می‌کنند این در حالی است که زاپاتیست‌ها بیشتر از بیست سال پیش سلاح‌های خود را کنار نهاده‌اند و از آن زمان تا به‌اکنون مبارزه‌ی غیرخشونت‌آمیز را حفظ کرده‌اند. در هر دو مورد زنان در حین اینکه در کنار مردان علیه پاک‌سازی (obliteration) جمعی‌شان در حال مبارزه بوده‌اند همزمان نیز تغییرات رادیکالی را در مناسبات جنسیتی خود ایجاد کرده‌اند. در ایجاد خودمختاری بزرگ‌تر از دولت، کار به‌سوی برابری بیشتر، دموکراسی مستقیم‌تری را امکان‌پذیر می‌سازد [۱]. همچنین در هر دو تایی این تلاش‌ها ارتباط عمیقی نسبت به سرزمین [۲] وجود دارد تا جایی که به‌گرامی داشتن ارزش زنان و زیست‌بوم به‌مثابه‌ی ضرورتی برای زندگی‌شان می‌نگرند.

در هر دو مقاومت زنان برای مبارزه‌ی همسو با همتایانِ مردِ خود سلاح برداشتند که این نشان دهنده‌ی تمایل و ظرفیتِ آن‌ها برای مبارزه به‌عنوانِ سرباز است. با این حال هدفِ اصلیِ آن‌ها در کوهستان‌ها نظامی نیست. در عوض مهم‌ترین وظیفه‌ی آن‌ها پرورده کردن افرادِ جدید است: مردان و زنان در یک مناسباتِ برابرنگرانه‌تری نسبت به یکدیگر؛ مناسباتی که همچنین ضد سرمایه‌دارانه است. یکی از نمایندگان «کمیته‌ی ژنولوژیِ کُردستان» [۳] - کمیته‌ای متعلق به زنان که به‌واسطه - یِ حزبِ کارگران کُردستان تأسیس شد - می‌گوید: «فراتر از هر چیزی ما با ستیزه‌جویی مان می‌خواهیم شخصیتِ نوینی ایجاد کنیم، کسی که در تضادِ کامل با سرمایه‌داری قرار دارد» [۴].

تعهدی برای ایجادِ دموکراسی، سوسیالیسم، فمینیسم و زیست‌بوم‌شناسی وجود دارد. زاپاتیست‌ها هم نسبت به مناسباتِ جنسیتیِ عادلانه‌تری تعهدِ مشابهی را به‌وجود آورده‌اند. از نخستین چیزهایی که در شورشِ مسلحانه‌ی خود در سال ۱۹۹۴ به‌طور رسمی اعلام کردند «قانونِ زنانِ انقلابی» بود. این قانون؛ ده بندِ جدید را شرح می‌دهد که به‌زنانِ فراتر از زندگی‌شان قدرت بی‌سابقه‌ای را می‌بخشد؛ از جمله انتخاب اینکه می‌خواهند ازدواج کنند و با چه کسی، حقِ خدمت در شوراهای حُکمرانی، و حقِ همراه داشتنِ اسلحه به‌مثابه‌ی شبه‌نظامی - مبارزانِ میلیشیا - در «ارتشِ آزادیبخشِ ملیِ زاپاتیست‌ها» (EZLN in Spanish). زنانِ زاپاتیست همچنین به‌منظور ملاحظه قرار دادنِ یکی از دلایلِ اصلیِ خشونتِ خانگی از قانونِ خواستارِ ممنوعیتِ الکل و مواد مخدر شدند. بعد از آتش‌بس تنها دوازده روز پس از شورشِ بسیاری از سربازانِ زن به‌یک زندگیِ سیاسیِ غیرنظامی انتقال داده‌شده و موقعیت‌های بی‌سابقه‌ای در حُکمرانی، آموزش، مدیریت و تصمیم‌گیری - شیوه‌های دیگری برای شورشی‌شدن، این‌بار با یکدیگر و با مردان - به‌دست آوردند. در طی بیست‌ویک سالِ گذشته هم

مردان و هم زنان در فرایندی از به‌فراموش‌سپاریِ هنجارهایِ مناسباتِ جنسیتیِ کهنه بوده‌اند و همواره مشغولِ بازآموزیِ چگونگیِ مناسبات و ارتباطِ دوباره با یکدیگر و سهیم‌شدن‌شان در وظایفِ داخلی و عمومی هستند.

اگرچه ایجادِ برابریِ جنسیتی هنوز هم در حال پیشرفت است اما این مناسباتِ نوپا میان مردان و زنان هنوز هم مؤلفه‌ی بنیادینِ ساختِ خودمختاریِ زاپاتیست‌ها است. این تغییراتِ رادیکال در زمینه‌ی جنگ و خشونت هراس‌برانگیزی با کثرتِ بالا و پایینی در حالِ صورت پذیرفتن هستند. گُردها در روژئاوا مقاومتِ قهرمانانه‌ای را از یک‌سو علیه ویرانی‌های داعش و از سویِ دیگر علیه دست‌ورزی‌های نژادپرستانه و سرکوب‌گر دولت ترکیه حفظ کرده‌اند. در چیاپاس زاپاتیست‌ها خودمختاری‌شان را در بحبوحه‌ی خشونتِ روبه‌رشدِ یک «دولتِ مواد مخدر» (narco-state) که بیشترِ کشور را تحت سلطه دارد -جایی که تمایز میان دولت و قاچاقچیانِ موادمخدر سخت است- ایجاد کرده‌اند. در نزدیکی ایالت گوئررو -واقع در جنوب‌غربی مکزیک که به‌خاطر منابع طبیعی غنی، قاچاقِ شدیدِ مواد مخدر، جنبش‌های مقاومت و پلیسِ محلی‌اش معروف شده‌است- زنان نیز به صفوفِ مسلحِ پلیسِ کمونتاریا (policia comunitaria) پیوسته‌اند. این گشت‌های مسلح برای پُر کردن خلاء ناشی از پلیسِ فاسدِ وابسته به‌لیستِ دست‌مزدبگیرانِ موادمخدر رشد کرده‌اند و در سرتاسر کشور کمونتاریاهای مختلفِ دیگری در حال رشد کردن هستند. در این خط‌مقدم‌های گوناگون مردان و زنان با همدیگر در حالِ مبارزه هستند. گاهی اوقات پیوستن به‌مبارزه از مرزهای دولت و کشور عبور می‌کند همانگونه که بسیاری از زنانِ جوانِ آنارشیستِ ترکیه برای کمک به‌گُردها که در کوبانی علیه داعش مقاومت می‌کردند سوار بر اتوبوس‌ها به‌سوریه رفتند.

بخش‌های مشخصی از مقاومت سی ساله‌ی کردها قوام گرفته از پروژه‌ی مناسبات مساوات‌طلبانه‌تری میان زنان و مردان به‌مثابه‌ی بخش مهمی در پروژه‌ی سیاسی‌شان بوده‌است. در سرتاسر جهان مفهوم ژئوپلیتیکیِ گُردستان همراه با گُردهای گسترانده‌شده در ترکیه و سوریه به‌گونه‌ای فراملی به‌چیزی بسط یافته‌است که برخی از آن‌ها به‌مثابه‌ی «کنفدرالیسم دموکراتیک» -فراتر از مرزهای دولت‌ملت می‌رود- توصیف می‌کنند. این تا به‌اکنون یک آرمان است؛ نه یک واقعیتِ کاملاً بسط‌داده شده و نه لزوماً توسط همه‌ی گُردها پذیرفته‌شده است. این ایده‌ها عمدتاً برگرفته‌شده از نوشته‌های در حال تکوین رهبر حزب کارگران گُردستان عبدالله اوجالان هستند که از سال ۱۹۹۹ در زندان ترکیه به‌سر می‌برد. «کنفدرالیسم دموکراتیک» او در صدد بنا نهادن یک نظام نوین است که این نظام علاوه بر حفاظت از زیست‌بوم در راستای توزیع عادلانه‌ی منابع هم به‌پیش می‌رود. چنین چیزی جستجو برای ایجاد جامعه‌ای رها از تبعیض جنسیتی، تعویض جوامع سنتی پدرسالارانه، تفاسیر مذهبی و بازارپردازی سرمایه‌دارانه‌ی (capitalist merchandising) زنان است. این جنبش یک کار پُرشور آموزشی و اجتماعی را به‌عهده گرفته است تا با ذهنیت پدرسالارانه که در زنان به‌مثابه‌ی شکلی از فرمان‌برداری (submission) و در مردان به‌مثابه‌ی صورتی از سلطه (domination) القاء شده‌است مبارزه کند.

مقاومت کردها و زاپاتیست‌ها یک تغییر پارادایم رادیکال به‌خود گرفته است که هر چیزی را تغییر می‌دهد. در مرکز مدیریت شهرداری‌های خودمختاری زاپاتیست‌ها که «حلزون اونتیک» (Caracol de Oventic) نامیده می‌شود «دفتری برای کرامت زنان» (Office for Women's Dignity) وجود دارد که در آن‌جا زنان برای بحث در مورد پیروزی‌ها و شکست‌های «قانون زنان انقلابی» جمع می‌شوند. به‌همین نحو «کمیته‌ی ژنولوژی» حزب کارگران گُردستان به‌منظور فهم ساخت سلسله‌مراتبی

و دولت‌ملت‌هایی که قدرتِ زنان را در جامعه کاهش می‌دهد تاریخچه‌ی زنان را مطالعه می‌کند. هر دو اجتماعِ -گردها و زاپاتیست‌ها- محصولِ تاریخ و زمینه‌های پدرسالاریِ شدیدی هستند. بنابراین هنوز هم مسیری طولانی برای رفتن در هر دو جنبش وجود دارد. با این وجود در کوتاه‌مدت آن‌ها به دستاوردهای خارق‌العاده‌ای نائل شده‌اند. زنان به‌طور فزاینده‌ای در شوراهای حکمرانی نمایان می‌شوند و در صفوفِ مسلحانه‌ی خود فعال هستند. اما انقلابِ واقعی در حوزه‌ی داخلی دیده می‌شود جایی که مراقبت از کودکان، سلامت و خانه کارِ مشترک میان زنان و مردان است.

گردها و زاپاتیست‌ها یک نمونه‌ی پویا از چیزی را عرضه می‌کنند که نه تنها ممکن است بلکه تا به‌اکنون به‌عمل گذاشته شده و رشد کرده است [۵]. در کار به‌سوی چیزی که زاپاتیست‌ها شیوه‌ی «دیگر»ی برای ارتباط با یکدیگر می‌نامند - یادگیری از و با یکدیگر خواه در میدان نبرد باشد و خواه در پختنِ غذا- زنان و مردان علاوه بر شبانی، کشاورزی و مراقبتِ خانگی، دوره‌های جنگ را نیز باهم از سر می‌گذرانند.

این در به‌عمل گذاشتن‌های (practices) روزانه‌ی ایجادِ خودمختاری است که ما شروع به کشفِ امکانِ نوعِ دیگری از زندگی، شیوه‌ی دیگری از دانستن می‌کنیم. بودن و ارتباط با یکدیگر است که می‌تواند شیوه‌های بهتری از زندگی را ایجاد کرده و پرورش دهد. چنین چیزی با روئیت‌پذیر کردنِ عادت‌های پدرسالارانه شروع می‌شود. ساختنِ روابطِ عادلانه‌تر به‌معنی یک تمرینِ روزانه‌ی بهتر و شیوه‌هایِ مهربانانه‌ی ارتباط میان مردان و زنان است. این یادگیری برای همه‌ی ما است تا در

محلله‌های مان و با مردمان مان نه فقط اسلحه به دست، بلکه همچنین دست در دست، در آغوشِ «abrazándonos» یکدیگر به عمل بگذاریم.

### پانوشت‌ها:

- [۱] برای نمونه: آمریکای میانه یا سومریانِ نخستین و سازمان‌های غیرمتمرکز با پیکربندیِ عشیره‌ای و قبیله‌ای همانگونه که در «کنفدرالیسم دموکراتیک: طرح آزادیِ مردمِ گُردستان» توصیف می‌شوند. ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۳.
- [۲] «سرزمین و آزادی» خروشِ اتحادِ زاپاتیست‌ها آن زمان و هم اکنون می‌باشد؛ با این وجود همانگونه که هیشام مسلم در «دفترِ خاطراتِ کوبانی: چهار روز مبارزه در داخلِ شهر در مقاومتی بی‌نظیر علیه داعش» گزارش می‌دهد: شعاری که امروزه مستقیماً در منطقه‌ی بوتان - گُردستان - شنیده می‌شود شعارِ «سرزمین یا مرگ» است. هفته‌ی خبر / ۱۵ اکتبر ۲۰۱۴.
- [۳] «ژن» در زبانِ گُردی به معنای زن است و ژنولوژی یا ژنیولوژی / jineolojî به معنای علمِ زنان است. جنبشی اجتماعی\_سیاسی و نیز دانشی فمینیستی که به دنبال برابری جنسیتی و رهاییِ زنان بوده و به عنوان فمینیسم از نوعِ بدیل

گُردستانی آن شناخته می‌شود. مفهوم ژنولوژی نخستین بار توسط عبدالله اوجالان رهبر حزب کارگران گُردستان مطرح و به لحاظ تئوریک بسط داده شده‌است.

[۴] کمیته‌ی ژنولوژی به نقل از جورج ریکاردو:

-writing for Resumen Latinoamericano from mountains of Xinêre, areas of media defense, South Kurdistan, Republic of Iraq, 3rd July 2014.

[۵] «کنفدرالیسم دموکراتیک: طرح آزادی مردم گُردستان». ۱۷ سپتامبر ۲۰۱۳.

[۶] برای تشریح دقیق‌تر «جنبش زنان گُرد» بنگرید به:

-Kobane: the struggle of Kurdish women against Islamic State. Necla Acik.



\* شارلوت ماریا ساینز



هماهنگ‌کننده‌ی رسانه و آموزش در «جهانی دیگر» است و در «موسسه‌ی مطالعات بنیادی کالیفرنیا» در سان‌فرانسیسکو تدریس می‌کند؛ جایی که او یکی از بنیان‌گذاران «مرکز هنر و عدالت اجتماعی» است. ماریا ساینز نزدیک به بیست سال است که در مدارس، خیابان‌ها، دانشگاه‌ها، اردوگاه پناهندگان، مناطق خودمختار، سرزمین‌اش مکزیک، لبنان و ایالات متحده به‌گونه‌ای بین‌المللی فعالیت می‌کند. او هر ساله برای کار با دانشگاه «de la Tierra Chiapas» و دانشگاه «Al-Jana» به چیاپاس و بیروت باز می‌گردد. ماریا همچنین عضو «انجمن جهانی آموختن» و سازمان‌های بین‌المللی برای یک «جامعه‌ی مشارکتی» است.

★ قطعه‌ی حاضر برگردانی است از:

Maria Sáenz, Charlotte (2015).

*Women Up in Arms: Zapatistas and Rojava Kurds Embrace a New Gender Politics. From Open-Democracy.*